

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۱۸، یکشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۶

قتل عام ده ها آزادیخواه در تبریز

نظارت مستقیم نظامی دهها هزار مستشار و کارشناس یانکی به ستوه آمده اند، در هر فرصت و به هر بهانه، ناراضی و خشم و اعتراض خود را بروزی دهند و این روند ارتجاعی و ضد طبقه و ضد دموکراتیک را محکوم می کنند. مراسم عزای جهلمین روز شهادت مبارزان آزادی قم، میدان مناسی بودتا باروت ایمن احساسات انباشته شده در دلها، منفجر شود و چنین شد. جمعی از شخصیت های آزادیخواه و علمای مذهبی تبریز از چند روز قبل طی اعلامیه های، روز شنبه ۲۹ بهمن ماه را روز عزای عمومی اعلام کرده بودند. این پاسخ خاموش و گویسای خلق به جلا نبود، چراکه نظیر چنین اعلامیه های در اکثر شهرهای ایران پخش شده و از صبح دیروز تظاهرات اعتراضی و نمایشات محکوم کننده توده ها بایسته شدن بازارها و دکانها در بسیاری از شهرها و به راه افتادن سیلی از منت های کمره کرده و جمره های برافروخته و رزمجو در برتوشعله های هیجان انگیز شعارهای آزادی، خیابانها را فراگرفت. تبریز با طلوع آفتاب، به پیشواز طلوع قیام رفت. زن و مرد، پسر و جوان و حتی کودکان در خیابانها سرازیر شدند. صبح هابه هم پیوسته و سیلاب ها به رودهای خروشان ریختند که معاشرت را در می نوردید و در رگهای شهر با سیلان و تلاطم پیوسته می رفت.

خبر نگاران "نویسد" که در میان این سیل به هیجان در آمده عزاداران و عامیان استبداد بودند، گزارش داده اند: نخست هزاران نفر بودند، ساعت ۹ صبح به دهها هزار تن سر زدند، و ساعتی بعد این جنگ روینده انسانی به تمام شهر سایه انداخت، شکوه قیام و نیرو... خبرنگاران "نویسد" که دوش به دوش مردم در جهاد خونین و دهشتناک آنان طی بهوش از ۱۰ ساعت ستیز جانانه با تفنگ ها و سپس تانکها و مسلسل ها شرکت داشتند، لحظات حماسه وار این روزتاریخی را که سرانجام به مرثیه ای قهرمانی بدل شد، ثبت کرده اند. آنها می نویسند:

شمارها تند و آتشین بود و اکثر آنها بر دیکتاتور و دیکتاتوری می تاخت. مردم مجازات قاتلان شهیدای قم را می خواستند، آزادی زندانیان سیاسی را آوازی دادند و بازگشت آیت الله خمینی را به شاه سیل مبارزه جوی فداکار و متوقی با دار و دسته استبدادی می طلبیدند. پلیس به خاطر

دیروز رژیم شاه خون شهیدای قم را با خون شهیدای تبریز شست. دیروز یک بار دیگر دولت مدعی مشروطه، فرزندانشان ستارخان و باقر خان و علی میمو و حیدر عمو افلی را در طلب سنگر مشروطیت ایران به خاک و خون کشاند. دیروز کوجه ها و خیابانها و میدانی شهر قهرمان تبریز، میدان جنگ تن به تن مردم باتانکها و مسلسل ها بود و شعارهای آزادی چون دشتی از شقایق و گل سرخ، در توفان عزم و حصیان مردم که شهید قهرمان را برانگیخته بود، شکفت و بر پر شد.

قتل عام بی شرمانه دهها تن از مردم آزادیخواه تبریز، درست چهل روز پس از حمام خونی که در خییمان حکومتی در قم برپا کردند، نشان داد که بین خلق های ما و رژیم از رگ و ریشه فاسدی که بختک وار به روی صحنه ما افتاده، جز گور هزاران شهید و سلسله جبالی از خشم و خصومت و ستیز، هیچ رشته و پیوندی وجود ندارد. چنین رژیمی که عروسک وار سرخ های اراده اش به انگشت های امیر بالیم جهانخواه بسته است، مدتهاست که مشروطیت خود را از دست داده و باخالی شدن از محتوای مشروطیت و ضدیت عربیان با موازین و اصول آن، قانونیت خویش را نیز حتی در محدوده تنگ طبقاتی خود از دست داده است.

قتل عام بی بند و بار و بی مسئولیت تبریز یک بار دیگر ابعاد وحشت انگیز خصلت ضد مردمی و درنده خویی بی حد و مرز رژیم شاه - ساواک را به روشنی بر ملا کرد و نشان داد که اگر نیازهای هستی کرم خورده دار و دسته دیکتاتور افساکنند، کشتارده ها آزادیخواه بی دفاع در تبریز می توانند تا کشتارده ها هزار و حتی فراتر از آن، تا ایجاد کورستانهای عمومی در پهنای سرزمین زیر مهیز ما امتداد یابد.

فاحعه به خون و حماسه آمیخته و آمو زنده تبریز، از صبح دیروز با تظاهرات عمومی مردم در اماکن و مساجد و معاشرت عمومی آغاز شد. این تظاهرات آمیزه ای از سوگواری برای شهیدای قم و اعتراضی به شرایط اختناق و استبدادی حاکم بر ایران بود. توده ها که از خود سری های لگام گسیخته و فساد و گندیدگی دیرونی رژیم و وابستگی های روز افزون نظامی، اقتصادی و سیاسی آن به امپریالیسم جهانی و غارت بی رویه و حیف و میل فزاینده ثروت های ملی که از این رهگذر بر کشور ما تحصیل میشود و نیز به بر باد رفتن استقلال کشور در تهاجم سیاسی و امنیتی و

سلحشاه گزیه های شاه ضابط گردیده بودند، در میدان دانشسرای تبریز محسسه ضحاک زمانه را سنگسار کردند و از آن پس تا پاسی از شب گذشته، علی رغم حکومتنظامی، در کوچه ها و خیابانها به مقاومت و مبارزه ادامه دادند

صد ها هزار قلب در شب در تبریز اشک را در چشم و خشم را در عزم دلیر مبارزه بی شکلی که تازه آغاز شده، و در جستجوی شکل موثر و مطلوب خویش است، پیو شانند .

از عصر دیروز حکومت نظامی با قهر و خشونت بی سابقای شهردار و یگانهای خنجرین خود می نشاند. هر کس که در معابر ظاهر می شد، تعقیب می گردید. بسیاری از محصلین هنوز در مدرسه خود به صورت زندانی ماند میبودند. تیرت در شب یک شهر اشغال شده بودند تعمیم آمار و تلفات بسیار سنگین نبود دیروز هنوز در شورا است، اما تا صبح امر مد هانت از شخصیت ها و مبارزان تبریز بازداشت شدند. جنایت تکان دهنده تبریز ادامه طبیعی جنایت هولناک قم بود.

این زخم های گزیه که بر سنگ گرش کوچه ها و اسفالت خیابانهای تبریز و قم ریختند، حقیقت زنده بودن و تمخیر ناپذیری خلق محنت کشیده و سلحشور ماست، خلقی که هر بار رخسار خاکستری

رنج و خون خود نیرومندتر و معتقدتر به پای می خیزد. اما این خون های عزیز، در خود بیاهمقسی رانده دارند که ما را به یگانگی می خوانند فاجعه قتل و سندنروانی ابدی جلالتاجدار است که می خواهد از

سپه ما گورستان و ایمان خلقی ما حمام خون بر پاکند تا بر سکوت و مرگ فرمانروایی بلانازعی داشته باشد. اما این فاجعه در عین حال نقش حیاتی و اجتناب ناپذیر سازمانهای سیاسی و تشکل های

صغیر را در مقابل مبارزه جدی با ارکانهای انجمن یافته دولتی آشکار می کند. پراکندگی ما، پیشخوانه و استعمار جهنم آرمابری است، اما تشکل و جوش خوردن مادر حز بها و گروهها و سازمانهای

سیاسی، صنفی و طبقاتی خویش و آنگاه پیونده فلز آسای این ارکان استیارت با اشتراك المنافع که در شرایط موجود آرمان واحد آن

هارا به هم گزیه می زند، تنها با شارت آزادی و ضمانت رستگاری ملی است. ما صرف نظر از آراء و عقاید و مسلک های خود، خاکسترس

نشین یک دوزخیم، در یک شکرگاه سلاخی می شویم، در یک زندان زیر فشار و بیوش و تحمیلیم، با یک تفنگ در کوچه ها و خیابان های مهین خود به خون می غلتیم. آیا این سرنوشت واحد،

میوم بودن و قاطعیت و تحکم یکی شدن های خلقی ما و توانا کردن این مشت شکست ناپذیر را در این یگانگی، تا کید نمی کند؟ تا وقتی به این فریاد در دنیا کی که تمام

زرات جامعه ما آنرا آوازی دهد، پاسخی مطلوب ندهیم، خون های پاکسی که در آستانه آزادی در قلم و تیسریز به خاک

بخند، همچنان خاک مهین ما را بسا لاله های دانشدار خواهد پیو شانند

انبوهی تظاهر کنندگان بی پروا در دقایق نخستین، هجوم به آنها رانده است، اما پس از آن که گامیون های لیبریز از پلیس به اصطلاح ضد انتشار و گرازهای تربیت شده اونیسور م

پوش سر رسیدند، حمله به تظاهر کنندگان آغاز شد. همین که صدای گوله هادر شهر طنین انداخت، هزاران تن از مردم با

چوب و چماق و سنگ به حمله متقابل دست زدند. در خیابان کورش، چهار راه شهناز، خیابان پهلوی، خیابان دانشسرا

جمعیت با قزاقان مسلح شاه به هم گره خوردند، چوب در برابر گوله، مشت در برابر صمبل . . . و سرانجام پلیس رو به هر یک

گذاشت. تظاهر کنندگان خشمگین گامیون های پلیس را آتش زدند، و تیر و سیلک های پلیس را آتش زدند، قرارگاههای پلیس راهمایی را آتش زدند، حزب رستاخیز را، این لانه موشباز

خفاشها را آتش زدند، اماکن و ساختمانهای پلیس و مظاهر نظام آرمابری و ستم را در هم کوبیدند و شینه های آنها را خورند کردند . . . و ناگهان شعله های سرکش دو دو آتش: همه جا

زیانه کشید. این هریق خشم خلق بود، خشمی که وقتی لیبریز می شود، چه بسا به شو رتر بینجامد . . .

با فرار پلیس و گامیونها و تانکهای ارتش به شهر طغیان کرده حمله ور شدند. دانشجویان و بازاریان تبریز پیشاپیش صفوف مردم قرار گرفتند. خون خیابانها را فرش کرد، در اولین یورش گراز

های حکومتی دها جسد روی زمین افتاد، اما در بسیاری از نقاط مردم از برابر جوخه های مسلح و تانک ها و مسلسل ها نگرینخشند، با چوب دستی و مشت به تانکها ناخفتند، نبود مشت بود با تانک و گوشت و استخوان با آهن و باروت، اما خون ها گل می کردند و کله

عطر دلیری می افشانند و خلق خروشان با شمارهای آتشین به استقبال مرگ می رفتند: آزادی یا مرگ . . .

این پاسخ به آرمابری بود، پاسخ توده ها به حزب سرکسیر آن جنانی بود، پاسخ حقیقت به نمایشات مهوع و صحنه سازیهای

دلفک وار بوزینه های حکومتی بود. در محبوحه هجوم و مقاومت، هلی کوپترهای نظامی و هواپیما های شکاری و بمب افکن برای مرعوب کردن طغیان تبریز بوفسرا:

شهر به حرکت در آمدند. پول نفت بود که به مدد مدعیان باوه گوی حقوق بشر به صورت گابوس و مرگ مردم بی دفاع را به نابودی مطلق و یکبارچه تهدید می نمود:

جنگستن به تن مردم با ارتش مهاجم که گویی به تمخیر شهر دشمن آمده بود پیش از ده سلطت به صورت فشرده و پراکنده ادامه داشت. و از سلطت سه بعد از ظهر تانک ها و مسلسل های سنگین در مواضع حصار تبریز مستقر شدند. از عصر لشکر تبریز برای سرکوب

طغیان مردم که از بعد از ظهر از حالت جمعی به صورت پراکنده و موضعی تمخیر شکل داده بود، از پادانهای هجیب شیر و مرند یاری خواست. مردم که تا کنیک مبارزه خود را با دخالت ارتش و هجوم

در راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری بکوشیم!